

درس هایی از معراج پیامبر اکرم(ص)

معراج پیامبر اکرم(ع) را هرچند می توان از دیدگاه های کلامی، روایی و تاریخی مورد بررسی قرار داد ولی این عروج آسمانی و احادیث قدسی آن یکی از بهترین درس های اخلاقی برای مسلمانان است.



معراج پیامبر اکرم(ع) را هرچند می توان از دیدگاه های کلامی، روایی و تاریخی مورد بررسی قرار داد ولی این عروج آسمانی و احادیث قدس، آن، یک، از بهترین درس ها، اخلاق، دعا، مسلمانان است.

معراج پیامبر اکرم(ص) در شب هفدهم ماه مبارک رمضان سال 12 هجری واقع شد و هرچند برخی مورخان اسلامی وقوع معراج را در شب بیست و هفتم ماه رجب سال دهم بعثت و برخی اوائل بعثت ذکر کرده اند اما همه مورخان بر وقوع آن اتفاق نظر دارند.

رسول خدا(ص) در آن شب در خانه ام هانی دختر ابیطالب بود و از آنجا به معراج رفت و مجموع مدتی که آن حضرت به سرزمین بیت المقدس و مسجد اقصی و آسمان ها رفت و بازگشت، از یک شب بیشتر طول نکشید، به طوری که صبح آن شب را در همان خانه بود.

جبرئیل در آن شب بر آن حضرت نازل شد و مرکبی را که نامش «براق» بود برای او آورد و رسول خدا(ص) برآن سوار شده و به سوی بیت المقدس حرکت کرد و در راه در چند نقطه ایستاد و نماز گزارد، یکی در مدینه و هجرتگاهی که سال های بعد رسول خدا(ص) به آنجا هجرت فرمود، یکی هم مسجد کوفه، دیگر در طور سینا و بیت اللحم - زادگاه حضرت عیسی(ع) - و سپس وارد مسجد اقصی شد و در آنجا نماز گزارده و از آنجا به آسمان رفت.

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی در تفسیر نمونه و ذیل آیه اول سوره اسراء درباره معراج رسول خدا(ص) می نویسد: مشهور و معروف در میان دانشمندان اسلام این است که پیامبر(ص) به هنگامی که در مکه بود، در یک شب از مسجد الحرام به مسجد اقصی در بیت المقدس به قدرت پروردگار آمد و از آنجا به آسمان ها صعود کرد و آثار عظمت خدا را در پهنه آسمان مشاهده نمود و همان شب به مکه بازگشت.

وی با تاکید بر اینکه سیر زمینی و آسمانی رسول خدا(ص) با جسم و روح توأم بوده، افزود: از آنجا که معراج، یک موضوع فوق العاده شگرفی است، جمعی به توجیه آن پرداخته و آن را به معراج روحانی تفسیر کرده اند که چیزی شبیه یک خواب یا مکاشفه روحی خواهد بود اما این موضوع کاملاً با ظواهر آیات مخالف است چون ظاهر آیات به مساله جسمانی بودن گواهی می دهد.

** معراج پیامبر در قرآن و حدیث

معراج رسول خدا(ص) در آیه اول سوره اسراء و آیاتی از سوره نجم آمده است که در سوره اسراء فقط بخش اول این سفر یعنی سیر پیامبراعظم(ص) از مکه و مسجد الحرام به مسجد اقصی و بیت المقدس بیان شده و در سوره نجم قسمت دوم معراج یعنی سیر آسمانی این سفر آمده است.

آیات سوره نجم به گفته اکثر مفسران نشان می دهد که این حادثه در بیداری اتفاق افتاده است و گواه دیگر بر این موضوع روایات بسیاری است که در زمینه معراج در کتب معروف اسلامی نقل شده که به عنوان نمونه می توان به سخن شیخ طوسی در تفسیر تبیان و نظر مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان اشاره کرد.

محمدباقر مجلسی در بحار الانوار می نویسد: سیر پیامبر(ص) از مسجد الحرام به بیت المقدس و از آنجا به آسمان ها از جمله مطالبی است که آیات و احادیث متواتر شیعه و سنی بر آن دلالت دارد و انکار امثال این مسائل یا تاویل و توجیه آن به معراج روحانی، یا خواب دیدن پیامبر ناشی از عدم اطلاع از اخبار ائمه هدی و یا ضعف یقین است و اگر بخواهیم اخباری را که در این باره رسیده، جمع آوری کنیم کتاب بزرگی خواهد شد.

فخر رازی مفسر معروف اهل سنت نیز در ذیل آیه اول سوره اسراء پس از ذکر استدلال های عقلی بر امکان وقوع معراج می نویسد: از نظر حدیث، احادیث معراج از روایات مشهوره است که در کتب صحاح اهل سنت نقل شده و مفاد آنها سیر پیامبر

(ص) از مکه به بیت المقدس و از آنجا به آسمانها است.

با توجه به این که در میان روایات معراج برخی احادیث مجعول یا ضعیف وجود دارد، برخی از مفسران همانند صاحب مجمع البیان، احادیث معراج را به چهار گروه تقسیم کرده است:

1- روایاتی که به حکم تواتر قطعی است، مانند اصل موضوع معراج.

2- احادیثی که قبول آنها هیچ مانع عقلی ندارد و در روایات به آن تصریح شده است، مانند مشاهده بسیاری از آیات عظمت خدا در پهنه آسمان.

3- روایاتی که با ضوابط و اصولی که در دست داریم، مخالف است ولی می‌توان آنها را توجیه کرد. مانند احادیثی که می‌گوید پیامبر(ص) در آسمان ها جمعی را در بهشت و گروهی را در دوزخ دید که باید گفت منظور مشاهده صفات بهشتیان و دوزخیان بوده است (یا بهشت و دوزخ برزخی).

4- روایاتی که مشتمل بر امور نامعقول و باطل می‌باشد و وضع آنها گواه روشنی بر ساختگی بودن آنها است، مانند روایاتی که می‌گوید پیامبر اکرم(ص) خدا را آشکارا دید، با او سخن گفت، و با او نشست که با هیچ منطقی سازگار نمی‌باشد بلکه مخالف دلیل عقل و نقل است و بدون شک این گونه روایات مجعول است.

**** هدف معراج**

نویسنده تفسیر نمونه می نویسد: هدف از معراج این نبوده که پیامبر (ص) به دیدار خدا در آسمان ها بشتابد! آن چنان که ساده لوحان پنداشته‌اند که متأسفانه بعضی از دانشمندان غربی به خاطر ناآگاهی یا دگرگون ساختن چهره اسلام در نظر دیگران، آن را نقل کرده‌اند.

به عنوان نمونه گیورگیو در کتاب محمد پیامبری که از نو باید شناخت می‌گوید: محمد در سفر معراج به جایی رسید که صدای قلم خدا را می‌شنید و می‌فهمید که خدا مشغول نگهداری حساب افراد می‌باشد! ولی با اینکه صدای قلم خدا را می‌شنید او را نمی‌دید! زیرا هیچ کس نمی‌تواند خدا را ببیند و لو پیغمبر باشد.

هدف از معراج پیامبر به گفته نویسنده تفسیر نمونه این بوده که روح بزرگ پیامبر (ص) اسرار عظمت خدا را در سراسر جهان هستی، مخصوصاً عالم بالا مشاهده کند و باز هم درک و دید تازه‌ای برای هدایت و رهبری انسان ها بیابد و این هدف در آیه اول سوره اسراء و آیه 18 سوره نجم آمده است.

همچنین امام صادق(ع) در این زمینه فرمود: خدا هرگز مکانی ندارد و زمان بر او جریان نمی‌گیرد ولی او می‌خواست فرشتگان و ساکنان آسمانش را با قدم گذاشتن پیامبر در میان آنها احترام کند و نیز از شگفتی های عظمتش به پیامبرش نشان دهد تا پس از بازگشت برای مردم بازگو کند.

**** گوشه‌ای از گفت وگوهای خدا با پیامبر در شب معراج:**

در کتاب های روایی، حدیث مفصلی از امیرمومنان علی (ع) به نقل از پیامبر اکرم(ص) درباره معراج نقل شده است که در آن به نقل از خداوند سخنانی مطرح شده است و این سخنان الهی را حدیث قدسی گویند.

در کنار آیات قرآنی و احادیث معصومین(ع)، سخنان دیگری به عنوان «حدیث قدسی» وجود دارد که شامل جملاتی است که توسط معصوم از خداوند نقل می شود ولی جزء قرآن نیست و این گونه احادیث را به دلیل انتساب آن به مقام قدس خداوندی، حدیث قدسی می نامند.

این نوع احادیث، بیشتر در قالب موعظه ها و کلمات حکمت آموزی است که خداوند به وسیله آنها بندگان خود را ارشاد و

راهنمایی کرده است.

در ابتدای این حدیث آمده است: پیامبر (ص) در شب معراج از پروردگار چنین سوال کرد «پروردگارا! کدام عمل افضل است؟» و خدا فرمود «هیچ چیز نزد من برتر از توکل بر من و رضا به آنچه قسمت کرده‌ام نیست.»

ای محمد! آنها که به خاطر من یکدیگر را دوست دارند محبتم شامل حال آنهاست و کسانی که به خاطر من مهربانند و به خاطر من پیوند دوستی دارند، آنها را دوست دارم و نیز محبتم برای کسانی که توکل بر من می‌کنند، فرض و لازم است و برای محبت من حد و حدود، و مرز و نهایتی نیست!

در فراز دیگری از این حدیث آمده است: ای احمد! همچون کودکان مباش که سبز و زرد و زرق و برق را دوست دارند، و هنگامی که غذای شیرین و دلپذیری به آنها می‌دهند، مغرور می‌شوند و همه چیز را به دست فراموشی می‌سپارند.

پیامبر (ص) در اینجا عرضه داشت «پروردگارا! مرا به عملی هدایت کن که موجب قرب به درگاه توست» و در پاسخ شنید «شب را روز، و روز را شب قرار ده» عرض کرد: «چگونه؟» فرمود: «چنان کن که خواب تو نماز باشد، و هرگز شکم خود را کاملاً سیر مکن.»

در فراز دیگری آمده است: «ای احمد! محبت من محبت فقیران و محرومان است، به آنها نزدیک شو و در کنار مجلس آنها قرار گیر، تا من به تو نزدیک شوم و ثروتمندان دنیاپرست را از خود دور ساز و از مجالس آنها بر حذر باش!»

همچنین در این روایت می‌خوانیم: ای احمد! زرق و برق دنیا و دنیاپرستان را مبعوض بشمر و آخرت و اهل آخرت را محبوب دار» و پیامبر عرض می‌کند «پروردگارا! اهل دنیا و آخرت کیانند؟» خطاب رسید «اهل دنیا کسانی هستند که زیاد می‌خورند و زیاد می‌خندند و می‌خوابند و خشم می‌گیرند و کمتر خشنود می‌شوند، نه در برابر بدی‌ها از کسی عذر می‌خواهند و نه اگر کسی از آنها عذر طلبد می‌پذیرند، در اطاعت خدا تنبل و در معاصی شجاعند؛ آرزوهای دور و دراز دارند و در حالی که اجلشان نزدیک شده هرگز به حساب اعمال خود نمی‌رسند، و نفعشان برای مردم کم است.»

در فراز دیگری از این حدیث آمده است «ای احمد! آیا می‌دانی کدام زندگی گوارتر و پر دوام تر است؟ زندگی گوارا آن است که صاحب آن، لحظه‌ای از یاد من غافل نماند، نعمت مرا فراموش نکند، از حق من بی‌خبر نباشد، و شب و روز رضای مرا بطلبد.»

همچنین در این حدیث می‌خوانیم: «ای احمد! اگر بنده‌ای نماز تمام اهل آسمان‌ها و زمین را به جا آورد، و روزه تمام اهل آسمان‌ها و زمین را انجام دهد، همچون فرشتگان غذا نخورد و لباس (فاخری) در تن نپوشد (و در نهایت زهد و وارستگی زندگی کند) ولی در قلبش ذره‌ای دنیاپرستی یا ریاست‌طلبی یا عشق به زینت دنیا باشد در سرای جاویدانم در جوار من نخواهد بود! و محبتم را از قلب او بر می‌کنم!»

منابع:

تفسیر نمونه، ج 12، ص 14

بحار الانوار جلد ششم، صفحه 368